

## نقش هویت در خانه های سنتی ایران و نقد معماری معاصر دوره پس از انقلاب اسلامی

هومن ثبوتی<sup>1</sup>، سروش پیمائی<sup>2</sup>، سید مهدی مرتضوی<sup>3</sup>

<sup>1</sup> دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان / عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، مدیر گروه معماری، Hoomansobouti@znu.ac.ir

<sup>2</sup> دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان / دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، Soroush\_pym@yahoo.com

<sup>3</sup> دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان / دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، Mahdi\_mortazavi11@yahoo.com

### چکیده

در این پژوهش تلاش گردیده است که هویت خانه ایرانی از دل اعصار گذشته واکاوی شده و مقایسه ای موردی با نمونه ای از خانه های معاصر صورت پذیرد.

در پژوهش پیش رو بر چگونگی تأثیربخشی فضاهای خانه سنتی و نحوه سکونت از نگاه تحلیلی بزرگان، پژوهشگران و منتقدین معماری معاصر، مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته و تلاش شده تا با همسویی، معناگرایی، مفهومی و کالبدی از دریچه گفتار و تصویر دیباچه ای هرچند کوچک بر مقایسه تغییرات هویتی و روانشناسی که در ورای معماری خانه های معاصر به ورطه فراموشی سپرده شده است، بیان گردد.

**واژه های کلیدی:** معماری، هویت، خانه، روانشناسی، سکونت

### مقدمه

این نوشتار بر آن است تا دیباچه ای باشد به منظور گشودن دریچه ای بر، هم نهادگی مفهوم هایی بس آشنا و گاه نامترادف، جهت آشتی میان معماری تاریخی و معماری معاصر ایران زمین که از ژرفای معانی گسترده، دوش به دوش یکدیگر در گذر زمان بر هرچه فاخرتر شدن معماری این دیار خدمتی درخور ستایش داشته اند. از آن جمله می توان به مکانی همچون (خانه) اشاره نمود.

به جرات می توان گفت خانه از تأثیرگذارترین فضاهایی است که در پیرامون ما هستند و ما با آن ها سرو کار داریم و در زندگی ما نقش سازنده ای دارند. [9] مکان اختصاصی هر فرد بخشی از هویت او را تشکیل می دهد. [1] هنگامی که دگرگونی منجر به کاهش نابسامانی و آشفتگی در عناصر هویت شود، می توان آن دگرگونی را پویا و مثبت تلقی کرد، این دگرگونی از فرد به جامعه و از جامعه به فرد منتقل می شود. [2] هر عمل انسان که درون یک فضا انجام می شود، هویت فضا را متأثر می کند. تشبیه معماری به یک زبان، هم تشبیهی است مستحکم و هم در عین حال پر از دشواری، هنگامی که سنت ها و ارزش های هنجاری که پایه معانی متعارف را بوجود می آورند، حذف شوند، خود را در محیطی خواهیم یافت که در مقایسه با جوامع پیشین، نسبتاً بی معنا خواهد بود. [3] درخانه، آشنایی با جهان بی واسطه صورت می پذیرد، آنجا نیازی به گزینش مسیر و جست و جوی هدف نیست. جهان در خانه و حول آن به سادگی ارزانی گردیده است، [4] و یکی از مباحث مهم در معماری ما می باشد که کمتر بدان پرداخته شده است. نیاز به خانه در این زمان بسیار احساس می شود و می بایست با شناخت معماری گذشته و تطبیق

آن با معماری این نیاز را برطرف کرد. [6] معماری یک دست آورد عینی و ملموس برخاسته از ویژگی های سرزمینی و اقلیمی است، معماری ایرانی یک دست آورد ذهنی و فکری است که از درون اعتقادات و اسطوره های اقوام ایرانی برخاسته است. لیکن، در مسیر شناخت معماری خانه های تاریخی ایران، با صرف زمانی در حدود سی و اندی سال، کوشش شد تا به معنا و مفهوم معماری، خانه، تاریخ و ایران نزدیک شویم. این شناخت از یک طرف متکی به روش هایی است که یافتن و به کار بستن آن ها را تشکیل داده و بخش های دیگر این شناخت، در فرایند بررسی خانه های معاصر بدست آمده است. خانه های معاصر با عناوین واحد مسکونی و آپارتمان از آن ها نام برده می شود.

عواملی موجب گردید تا در عصر حاضر، خانه و خانه سازی معاصر مورد اتفاق نظر قرار گیرد و پذیرفتنی بود که عمر خانه های تاریخی به سر آمده و می بایست گونه های جدیدی از خانه ها، زندگی جدید خانواده ها را در خود جای می دادند و چنین نیز شد. گونه هایی جدید از خانه ها پدید آمدند که از دست آورد های خانه های تاریخی (حساسیت و توانایی فضایی) بی بهره بودند. تفسیر نوع ساخت و سازهای معماری جدید در بافت تاریخی به موازات همین ساخت و ساز متوجه زوال همه جانبه بافت تاریخی و تخریب شتابان خانه های موجود در این بافت شدند.

در گذشته هویت فردی هدف جامعه بوده و این طرز تفکر امروزه جای خود را به کسب منزلت اجتماعی از طریق تظاهر فردی در ساختمان داده است. [5] باتوجه به این که هویت در طول زمان شکل می گیرد نقش تاریخ در ساختار هویت کمابیش روشن است. تأثیر گذشته بر حال و تداوم آن بر آینده تأثیر فرآیند زمانی تاریخ را تبیین می نماید. نیاز های روحی انسان با اراده خود او محقق می شود و معماری می تواند زمینه ی مناسب آن را فراهم آورد. [7]

از دوران کهن یکی از سوالات و ابهامات اصلی انسان، سیر تاریخ بوده است. بشر همیشه از خود می پرسیده که انسان های قبل از او چه سیری را طی کرده اند تا به او رسیدند و پس از او این سیر به چه صورتی و در راستای چه هدفی دنبال خواهد شد. امروزه معماران و پژوهندگان بسیاری هستند که مبانی و مفاهیم بنیادینی را برای معماری سنتی باور دارند و برخی آثار معماری را بازتاب و نمود آن مفاهیم می دانند. همچنان که زمان می گذرد با انسجام یافتن درونی این فرایند مفهومی و پژوهش، بر روی آثار معماری برای گروه بیشتری میسر می شود. [2]

## معماری برخاسته از هویت

براساس شناختی که از معماری خانه های تاریخی بدست می آید، خانه فضایی است ایمن و معلوم می شود که معماری خانه، خود پاسخگوی آسایش می باشد. بدین ترتیب خانه، فضایی برای گرمی داشتن حضور آدمی در خلوت و جمع است. معماری ایران همانند معماری سایر ملت ها و فرهنگ ها، سازمان یابی آگاهانه فضا است. اقوام ایرانی در طی سالیان متمادی با حضور پیوسته در سرزمین ایران، فضا را برای زیستن مطلوب به فرد و جامعه سازمان داده اند، به نحوی که خواسته های فرد و گروه در قلمرو های حریم خصوصی و عمومی محترم و محفوظ نگاه داشته شود. [5] تشبیه معماری به یک زبان، هم تشبیهی است مستحکم و هم در عین حال پر از دشواری. هنگامی که سنت ها و ارزش های هنجاری که پایه معانی متعارف را بوجود می آورند، حذف شوند، خود را در محیطی خواهیم یافت که در مقایسه با جوامع پیشین، نسبتاً بی معنا خواهد بود. [3] خانه یکی از مباحث مهم در معماری ما می باشد که کمتر بدان پرداخته شده است. نیاز به خانه در زمان حال بسیار احساس می شود و می بایست با شناخت معماری گذشته و تطبیق آن با معماری معاصر این نیاز را برطرف کرد. [6]

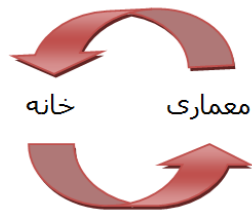
## تعریف معماری

معماری بیان هنر ویژگی های پنهان و آرزوهای جامعه است. بنابراین با زایل شدن جنبه معنوی و آرمانی تمدن، کیفیت معماری نیز محو می شود. نیاز های روحی انسان چون با اراده خود او محقق می شود، معماری می تواند زمینه مناسب آن را فراهم آورد. رویکرد روانی کالبدی معماری باهدف و انگیزه های روانی یا کالبدی انسان وار پدید می آید، حتی بهره گیری از عناصر هندسی، خطوط و اشکال هندسی با هدف پدیدار سازی حالات روانی خاصی انجام می پذیرد. [2] لذا در معماری ایران برای هرچه بیشتر جان بخشیدن به فضا، حد و حصری وجود ندارد. [5] یک معماری زیبا که امروز آفریده می شود باید دوپست سال دیگر نیز زیبا باشد. این معماری نمی تواند همچون شیئی معمولی پس از استفاده دور انداخته شود. بنا ها و شهر ها استفاده های دراز مدت دارند زیرا ارزش ها و مفاهیمی را در بر دارند که به وضعیت انسان بستگی دارد. [2] می توان بینش نخست تاثیرگذار بر شکل گیری معماری را عوامل اقتصادی و تولیدی معرفی کرد و در بینش دوم، معماری بازتاب جدال سنت و مدرنیته را نام برد. [5]

## ساختارهای هویتی در معماری

در حقیقت بحران در هویت معماری و بویژه «هویت اسلامی در معماری» چه در سطح جهان و چه در ایران بر اثر مشکل فراگیر تحویل یا فروکاستن به کل سامان مند به نام هویت فرد و جامعه و به تبع آن، هویت معماری متعلق می باشد. هر هویتی ساختاری ویژه دارد که در صورت نادیده گرفتن آن، باید

انتظار بحران را داشت. حال باید دید، هنگامی که دگرگونی منجر به کاهش نابسامانی و آشفتگی در عناصر هویت شود، و سمت و سوی آن با هدف اساسی هویت همگام باشد، می توان آن دگرگونی را پویا و مثبت تلقی کرد. امروزه معماران معاصر در برابر بحران هویت و ناهماهنگی ها و ناسازگاری های موجود، رویکرد های گوناگونی را پیش گرفته اند. که در این نوشتار مجال بررسی آن ها نمی باشد، از این رو هویت بسامان در معماری نیز ما را به جانب هماهنگی کالبد و محتوی بر اساس هدفمندی واحد رهنمود می سازد. متقابلاً بحران هویت در معماری را در ناسازگاری ابعاد صوری با لایه های محتوایی در فضایی فاقد هدفمندی و گسست ارکان، مبنی هویت میتوان سراغ گرفت. [2] عوامل دیگر تاثیر گذار بر معماری را می توان: تقویت و ایجاد حس هویت، امکان شخصی سازی، سلسله مراتب و وابستگی به فرهنگ ذکر نمود. [7] در این گستره هویت برخاسته از فرهنگ است که طعم خاصی به هنر هر منطقه تاریخی و اقلیمی می بخشد. هویت چه خود آگاه باشد و چه ناخودآگاه علاوه بر بخش های کالبدی دارای باطن و محتوایی است که میتواند عناصر اصلی هویت ساز یعنی وجود و ماهیت را در آثار هنری و معماری متناظر معنا و مفهوم یا (ایده اثر هنری) و صورت و ماده آن یا (کالبد) اثر هنری دانست. [2] احراز هویت به شکل مادی مکان، بستگی داشته، حال آنکه تعیین موقعیت به ادراک از نظام فضایی آن مرتبط می گردد. [1] مع هذا چگونگی ارتباط بین انسان و هویت انسان و چگونگی کسب آرامش افراد مطرح می گردد. آدمی پس از انجام وظیفه اجتماعی خود به خانه عقب نشینی می کند تا هویت فردی خود را بازیابد، از این رو هویت فردی بر سکونت خصوصی مستتر می باشد. [4] مکان اختصاصی هر فرد بخشی از هویت او را تشکیل داده و از آنجا که هر مکان به گونه ای کلی تعلق می پذیرد، افراد نیز به هویت های عمومی دست می یابند. امروزه هویت را عموماً به عنوان کیفیتی (درونی) در افراد پنداشته و رشد را به عنوان (آگاهی) بر نفس پنهان در یافته اند. احراز هویت هرگز از زندگی روزمره جدا نبوده، و در مقابل، همواره به اعمال ما بستگی داشته است. [1] باتوجه به این که هویت در طول زمان شکل می گیرد نقش تاریخ در ساختار هویت کمابیش روشن است، شکل گیری هویت انسان به طور کلی تاریخی است، یعنی در غالب زمان و مکان صورت می پذیرد و تاثیر گذشته بر حال و تداوم آن بر آینده تاثیر فرآیند زمانی تاریخ را تبیین می نماید. [2] (شکل 1)



شکل 2: چرخه ارتباط مفهومی معماری و خانه

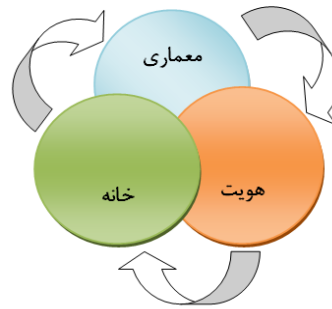
### خانه ایرانی

خانه ایرانی، جلوه مستقل و ارزش های معنوی و فرهنگی و شیوه زندگی بوده و امروزه هر کسی مزایای فراهم شده توسط تکنولوژی مدرن در خانه های ایرانی را ستایش می کند. لیکن این امکانات به قیمت فراموشی و با کم رنگ شدن اصول معماری گردیده که سالیان درازی عاملی برای فخر این مرز و بوم و معماری بناهای تاریخی آن بوده است. برگ دیگری از افتخارات معماری ایرانی توجهی ویژه داشتن بر اصل درونگرایی و محرمیت درون خانه و حفظ حریم خصوصی از نگاه نامحرمان به اندرونی می باشد. قلمرو خانه ایرانی از بیرون خانه شروع می شود، حریم عمومی بتدریج به حریم خصوصی تبدیل می گردد.

معیار شکل گیری فضا در خانه ایرانی براساس رعایت حریم استوار است. حریم که خود انعکاس فضایی حرمت است، تنظیم کننده روابط فرد و جامعه می باشد. حریم در حد فاصل خصوصی ترین خلوت ساکن در خانه تا عمومی ترین تجمع اهالی و خویشاوندان در خانه است. خانه ایرانی را به یک باره نمی توان مشاهده کرد، فضاهای سازمان یافته در این خانه ها در یک تصویر قابل رویت نیستند، می بایست حتما به خانه وارد شد، در درون آن چرخید و به طور متوالی به فضاهای مختلف و متنوع آن دسترسی پیدا کرد. آنچه در وهله نخست تاثیرگذار است، تنوع کف و ارتفاع سقف هاست و پس از آن تنوع نور و سایه و بعد تنوع فضاهای باز و بسته و پوشیده می باشد. [5]

### خانه تاریخی

در خانه های تاریخی ورودی کاملا مشخص و مستقل است و به وسیله یک یا دو یا چند فضای دیگر با حیاط ارتباط برقرار می کند. حیاط از نظر احساس فضایی همانند یک اتاق سرباز عمل می کند. [2] فضای ورودی در خانه های تاریخی این امکان را فراهم می آوردند که فعالیت هایی از نوع مذاکره، دید و بازدید سریع و غیر رسمی، رد و بدل کردن مایحتاج و از این قبیل، در آن ها صورت پذیرد. در درون خانه های تاریخی، هم ارزش با فضا های مسقف مانند ایوان ها و اتاق ها، فضاهای بدون سقفی وجود دارد مانند حیاط، صفا، مهتابی و بام که اعضای خانواده بدون اشراف در این فضا ها به فعالیت و استراحت می پرداختند. بررسی های گونه شناسی به طور مشخص روشن نمود که همزمان سه گونه (فضای باز، بسته و پوشیده) در سازمان فضای خانه وجود دارد. بررسی این نمونه ها نشان می دهند که تمامی انواع فضا ها از هر سه گونه موجود در خانه تاریخی، از طریق



شکل 1: همجواری معماری، هویت و خانه در پویایی یکدیگر

### نظام خانه

آدمی پیش از افکنده شدن به جهان در گهواره خانه نهاده شده است. در خانه تنها به پدید آوری کیفیات جوی محیط اکتفا نکرده و می باید خلق و خوی آن فعالیت هایی که در درونش جریان می یابد را نیز آشکار سازد. این محیط همواره با آنچه بر طبیعت ارزانی گشته یعنی به چشم اندازی که علاوه بر دارا بودن کیفیت های عمومی، ویژگی های اختصاصی خود را نیز دارا است وابسته می باشد. [1] و در آن آشنایی با جهان بی وابسته صورت می پذیرد، آنجا نیازی به گزینش مسیر و جست و جوی هدف نیست. می توان گفت، خانه مکانی است که وقوع زندگی روزمره را در خود گرفته. زندگی روزمره معرف چیزی است که تداوم خود را در هستی ما حفظ کرده و از این رو همچون تکیه گاهی آشنا به پشتیبانی ما می نشیند. [4]

خانه با خلوتکده خصوصی یعنی مکان، که فرد در آن به مقصود نهایی نایل گردیده هم عنان بوده است. [1]

تمامی خانه ها چه کوچک باشد چه بزرگ، حیاط و یا حیاط مرکزی دارند و از نظام فضایی واحدی پیروی می کنند. [2]

استاد پیرنیا در رابطه با اتاق، خانه، درون و بیرون می گوید: (یکی از علائق ایرانیان در ساخت خانه ها ایجاد ارتباط بصری بین اتاق و فضای بیرون آن است. گشادگی، فراخی و دید آزاد داشتن، جزو طبیعت ایرانی است، حتی در حال حاضر نیز همین طور است). پیرنیا قبول دارد که خانه های گذشته، از معایبی برخوردار بودند. لیکن معتقد است که راه حل های به کارگرفته شده در خانه های معاصر آن ها را برطرف نکرده و عیوب دیگری را بوجود آورده است. خانه یکی از مباحث مهم در معماری ما می باشد که کمتر بدان پرداخته شده است. نیاز به خانه در این زمان بسیار احساس می شود و می بایست با شناخت معماری گذشته و تطبیق آن با معماری این نیاز را برطرف کرد. [6] (شکل 2)

عالی ترین وظیفه یک ساختمان باید ارتباط با زندگی انسان در درون و شکوفایی طبیعت در بیرون باشد و ایجاد و حفظ هماهنگی و همنوایی راستین میان آنها که باعث می شود ساختمان به این ترتیب مامنی مطمئن برای زندگی بدل شود. [2]

سه عنصر شکل دهنده فضا یعنی سقف، کف، دیوار تعریف شده و ضمن برخورداری از استقلال فضایی هیچ یک در خود مسدود نبوده و به نحوی از طریق بسط فضایی یا چشم اندازی و نوری با فضاهای مجاور خود ارتباط برقرار می کنند. بررسی انواع خانه ها در زمان ها و مکان های مختلف بر این نکته تاکید دارد که مفاهیم و تصورات فضایی واقع در خانه های ایرانی، تنها به کشور ما تعلق ندارند و از گذشته تا امروز در بسیاری از نواحی جهان مورد طراحی و تجربه قرار گرفته اند. مفاهیمی انسانی و اجتماعی در مصادیق فضایی چون حیاط مرکزی، بیرونی، اندرونی، درجه های مختلف پوشیدگی فضا، سردرهای نمایشی (دروازه)، بادگیر، حیاط با حوض و باغچه، تفکیک حریم خصوصی و عمومی، استقرار حیاط در مرکز خانه، ایوان، ساختن بر اساس آیین و سنت، اختلاف سطح بر اساس تمایز اجتماعی، جابجایی دیوارها برای تعیین حریم یا تقویت پیوستگی فضاها و نکاتی از این قبیل، بارها مورد تجربه قرار گرفت به صورت الگوهای فضایی، فرهنگ معماری جهان را شکل داده اند.

### خانه معاصر

در سه دهه گذشته عرصه تحقیق و تفحص درباره خانه های ایرانی کم رونق بوده است. معدود معماران صاحب نام ایرانی همچون محمد کریم پیرنیا و نادر اردلان و تنی چند از پژوهشگران علاقمند خارجی همچون کریستیان برومبِرزه در دهه چهل و پنجاه شمسی پدیده خانه و سکونت را در ایران از نقطه نظر ویژگی های معماری و شیوه زندگی ایرانی مورد بررسی قرار دادند و هر یک، بنابر روش و منش خود تصویری از این پدیده ها را در برابر چشممان ما گشودند. از این منظر دست آورد قابل تاملی که توجه نسل نو را به خود جلب کرد، و آن اینکه عمر خانه های تاریخی به سر آمده و می بایست گونه های جدیدی از خانه ها، زندگی جدید خانواده ها را در خود جای می دادند و چنین نیز شد. گونه های جدید از خانه ها پدید آمدند که دست آورد های خانه های تاریخی (حساسیت و توانایی فضایی) بی بهره بودند. نماینده این بی بهره گی عمدتاً به تغییر نقش فضا در خانه های معاصر مربوط است. نقش فضا در شکل دهی به خانه های معاصر بسیار کاهش یافته و عناصر تمدنی جدید شامل خیابان، اتومبیل، اشیاء، مبلمان، تاسیسات و تجهیزات در کاهش نقش فضا موثر بوده اند. به نحوی که با حضور در خانه های معاصر متوجه شدند که دیگر از آن توانمندی ها و حساسیت های فضایی موجود در خانه های تاریخی حضوری موثر باقی نمانده است. [5]

خانه مدرن نمی توانست تمامی خواسته های سکونت خصوصی را برآورده سازد، فقدان (کیفیت پیکره ای) در آن مشهود بود. با اطمینان خاطر می توان گفت که خانه مدرن از همه نظر عملی و بهداشتی بود اما شباهتی به خانه نداشت. در حقیقت این خانه (زندگی در فضا) را بر (زندگی با تصاویر) ترجیح داده بود. [8] به موازات کاهش حساسیت و توانمندی فضا در خانه های معاصر،

روند جدا شدن نظام ایستایی و نظام آسایشی از نظام فضایی شدت گرفت. سازمان فضایی خانه های معاصر یک پارچگی ادراک سازمان فضایی از مقیاس کلان شهر تا مقیاس جز فضاها و عناصر و اجزا را از دست داده است. شبکه سه بعدی هدایت گر سازمان فضایی خانه، از حالت سه بعدی به دو بعدی تقلیل یافته است. [5] روند حذف فضا و عدم توجه به سازمان یابی خلاق فضا در واحد های مسکونی معاصر در ایران حادث تر و سریع تر بوده و بر مفهوم و مصداق خانه و سکونت تاثیر گذاشته آن. در این میان ویژگی های اصلی سازمان فضایی خانه های امروزی را چنین می توان نام برد :

1- خانه از بیرون متمایز است، و این تمایز ناشی از تفاوت آن از نظر ارتفاع، مصالح، رنگ، عقب نشینی برخی علائم خاص با بناهای اطراف است.

2- سازمان فضایی پیشنهاد ویژه ای برای حرکت در درون خانه نمی کند و حس قلمرو و ورود به یک فضای خصوصی متمایز از فضای عمومی وجود ندارد. فضای ورودی عموماً با نشیمن، هال و گاه با آشپزخانه تداخل دارد.

3- تنوع فضایی در خانه های معاصر اندک است و ساکنان هم اعتنایی به این نارسایی ندارند.

به هر روی ما دچار از هم گسیختگی شدید فرهنگی هستیم که در اثر خودباختگی یکصد ساله در مقابل تمدن غربی در ما ظهور کرده است. شایان ذکر است که ما در حوضه کردار، مدرن عمل می کنیم و در حوضه اندیشه، شعار سنتی می دهیم. [2] یکی از معضلات عصر حاضر این بود که معماران ما که عموماً دانش معماری خود را از خارج از کشور کسب کرده بودند و از دانش بومی و همچنین الگوهای فضایی به کار رفته در معماری ایران اطلاع نداشتند، الگو های فضایی جدیدتری را عرضه کردند که چون معجزه به آب لوله کشی، برق، تلفن، شوافاژ، کولر و از این قبیل امکانات رفاهی بود، به شدت مورد استقبال نسل های جوان تر قرار گرفت. آن چه در شهر های ما اتفاق افتاد تعویض به جای ترمیم بود. مداخله به موقع در بافت های تاریخی برای هماهنگ کردن آن ها با پدیده های صنعتی جدید صورت نگرفت و در نتیجه خانه های قدیم در بافت قدیم قربانی جلوه های جدید شهری، مثل خیابان، آسفالت، چراغ برق شدند. [5]

### روایت انسان و سکونت

سکونت بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض می باشد. و سکونت خصوصی بنای مسکونی یا خانه است که تحت عنوان پناهگاه یا مکانی که خاطرات تشکیل دهنده جهان خصوصی آدمی را در خود گرد آورده و به نمایش می گذارد، مشخص می گردد. این پیوند از تلاش برای هویت یافتن، یعنی به مکانی احساس تعلق داشتن ناشی گردیده است. این مفهوم بیش از قرار گرفتن سقفی برای سر و به زیر پا آمدن چند متر مربعی زمین به کار رفته است. [1] اما به واقع مفهوم

سکونت و زندگی برای انسان شرقی بسیار فراتر از مفاهیم مادی و رفع نیاز های روزمره ی انسانی است. اگر جهان غرب کالبد و پویسته زندگی را هدف قرار داده، جهان شرق روح زندگی و مفاهیم ماوراء جسم و کالبد آن را مد نظر داشته است. [5]

امروزه عموماً سکونت را داشتن سقفی بالای سر و چند متر مربع زمین در زیر پا تعریف می نمایند. به عبارت دیگر، برداشتی صرفاً مادی و کمی از آن ارائه می دهیم، سکنی گزیدن یعنی در آن واحد تعلق خاطر یافتن به مکانی خاص، و تصرف خانه ای که در آن قلب شکوفا شده و مغز اندیشه در می آید. [1] آیین سکونت در ایران هر دو فضای خصوصی باز و بسته را شامل می شده است. امروزه سکونت تنها به مصداق فضای داخلی اشاره دارد. [5] پیوند بین (فضا و سکونت) از تلاش برای هویت یافتن، یعنی به مکانی احساس تعلق داشتن ناشی گردیده است. [1]

### تاریخ

نیاز بررسی لایه های درونی پدیده های فوق در دل اعصار گذشته با تاکید بر محوریت و بررسی یکی از اصلی ترین ارکان، لازم و ملزوم زندگی انسان، مورد بازنگری گذرا قرار گرفته، که با وجود داشتن اصول و فروع دیگر، لیکن بصورت برجسته بر معماری و تعاریف آن، اشاراتی گردید و از آن جمله هویت خانه و خانه ایرانی به روایت تاریخ مورد بررسی قرار گرفت.

خانه معاصر و نحوه سکونت در آن روایتی دیگر داشت و با زبانی معاصر به بررسی تأثیرات زمانی بر بناها و خانه های تاریخی پرداخته و مقایسه ای هر چند اجمالی بین خانه های تاریخی و معاصر صورت گرفت.

حال نگارندگان بر آن هستند که نتایج بدست آمده را در دیار اجدادی خود مورد تحلیل و مقایسه قرار دهد و حاصل را بدون هیچ دخل و تصرفی برای ارائه و معرفی فرهنگ این سرزمین تقدیم خوانندگان گردانند.

طبق تحقیقات کتابخانه ای و میدانی در سطح شهر زنجان فقط تعدادی خانه تاریخی قابل استفاده و استناد می توان یافت که علاوه بر سالم بودن و دارا بودن اسناد تاریخی آن ها، بتوان از پلان شان نیز به چگونگی کاربری فضای آن ها اطلاعات بدست آورد.

در روند بررسی زمانی خانه ها، تاریخ قابل استناد، به زمان قاجاریه می توان دست یافت، آن هم به دلیل این که این خانه ها جزء املاک بزرگان، حکام و خان های شهر بوده، دارای اصول مهندسی بهتر و دقیق تر، مواد و مصالح، ساختی با کیفیت و پس از گذشت زمان و مخصوصاً پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، برای معرفی آثار تاریخی شهر به آیندگان و عبرت برای دیگران، تغییر کاربری داده و توسط مدیران ارشد شهری و اداره میراث فرهنگی استان تبدیل به موزه گردیده اند.

پس در این تحلیل ما دو بازه زمانی (قاجار، معاصر)، پس از انقلاب اسلامی را مورد تامل قرار می دهیم.

یکی از موارد ذکر شده ( بنای باشکوه عمارت ذوالفقاری زنجان ) متعلق به دوره قاجار می باشد.

دوره قاجار در معماری و تاریخی ما ایرانی ها دارای تعریف ویژه ای است از جمله؛

- 1- افزایش جمعیت و نیاز به خانه سازی (آن هم از نوع سریع).
- 2- ساخت و ساز سریع و دقت نکردن در نیارش آن (استاد پیرنیا).
- 3- استفاده از مصالح کم دوام و غیر بوم آورد.
- 4- دخل و تصرف کردن در اصول ساخت و ساز که سالیان سال توسط اساتید با تجربه این سرزمین سینه به سینه تاریخ را در نوردیده بود و حاصل آن پدید آمدن شاهکار های معماری تاریخی ایران شده بود.

### تحلیل

#### تحلیل خانه تاریخی (خانه ذوالفقاری زنجان) :

در مرکز بافت قدیمی شهر زنجان، مجموعه تاریخی ذوالفقاری واقع است. این بنا شامل ساختمان های اندرونی و بیرونی و قسمت های حکومتی است. (شکل 3)

قبل از احداث خیابان ذوالفقاری (طالقانی کنونی) با یک شبکه ارتباطی در طبقه هم کف و زیر زمین به هم دیگر مرتبط بوده است. بنای باقی مانده شامل دو طبقه و یک سردابه میباشد. پلان بنا ایرانی، و سبک ساختمان از بناهای کوشک اروپا تقلید شده است. در طبقه همکف، ورودی بنا یک سقف سر پوشده با دو ستون تعبیه شده و به هشتی منتهی می شود، در این طبقه قسمت امور اداری و دفتری و حسابداری قرار گرفته و سمت شرقی بنا احتمالاً عملکردی غیر اداری بوده است. (شکل 5) در طبقه دوم که دارای دو راه پله است تالار های پذیرایی، اتاق خواب، اتاق های نشیمن و سرویس های بهداشتی قرار گرفته است. هسته مرکزی این بنا به سبک چهارطاقی با سقف گنبدی اجرا شده و جرزهای دیوارهای باربر سنگینی سقف را تحمل می نماید. محدثات جانبی این چهارطاقی با تیرهای چوبی پوشده شده است. (شکل 6) کل مجموعه با پوشش خارجی شیروانی است که تا زمان احداث این شهر سابقه نداشته است. در بالای هسته مرکزی، نورگیر زیبایی تعبیه شده که به کلاه فرنگی معروف است. این نورگیر با پلان هشت ضلعی با روش گره سازی به فرم گنبد تبدیل گردیده، سقف اتاق ها در طبقات به طرز زیبایی لمه کوبی شده و شامل طرح های هندسی، و گره سازی است و من حیث المجموع از موتیف های ایرانی استفاده شده است. (شکل 4) از تزئینات داخل بنا در طبقه همکف از کاشیکاری به سبک قاجار می توان یاد نمود که طرح معروف لوتوس (نیلوفر آبی) دیده می شود. تزئینات بنا در نما جالب توجه بوده و قرینه سازی بنا از هنر ایرانی و سبک ستون های تقلیدی از معماری اروپاست، نمای ساختمان با آجرهای قالبی پیش تزئین شده است. پنجره بنا عموماً دو لنگه و اطراف آن مشبک است که با به کارگیری شیشه های رنگین کنتراست جالبی را در داخل اطاق ها ایجاد می نموده است. نعل درگاهی پنجره ها در طبقه همکف مسطح و طاق های تزئینی در ازراف ورودی دیده می شوند و این قسمت نیز که از خیابان بلاواسطه داخل مجموعه می شود از

### خانه ای برای امروز

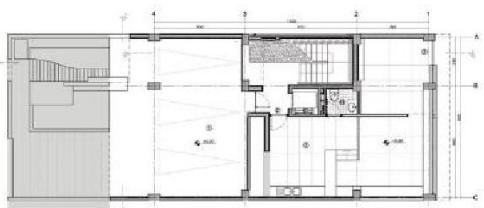
علی رغم اشاراتی که در مبحث خانه تاریخی معماری این دیار به رشته تحریر درآمد، حال با نگاهی گزینشی بر یکی از خانه های معاصر که همانند آن را در سطح شهر بشمار می توان رویت کرد آورده ایم. خانه منتخب در قسمتی از بافت فشرده شهری واقع است که در زمان ساخت نیاز به تخریب چند ساختمان در این منطقه گردید. این ساختمان پس از تحولات نظام ساخت و ساز معاصر مسکن پس از افزایش جمعیت شهری و صدور جواز ساخت و ساز بناهای آجری تا چهار طبقه اجرا گردید. این ساختمان بر اساس خواسته های یک خانواده چهار نفره، بصورت دوبلکس ویلایی طراحی و اجرا شده، که در آن پارکینگ و یک مطب در طبقات تحتانی جاگذاری شده است. طبقات بر روی ارتفاع حدود دو طبقه، روی پیلوت قرار دارد و نمای ساختمان از سنگ سفید پلاک میباشد، در طبقات بالا دو واحد صدو پنجاه متری برای فرزندان خانواده در نظر گرفته شده است تا در آینده مورد بهره برداری قرار گیرد.



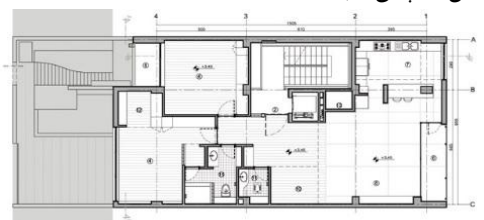
شکل 7: نمای اصلی



شکل 8: فضای ارتباطی



شکل 9: پلان طبقه همکف



شکل 10: پلان طبقه اول



شکل 11: پلان طبقه دوم

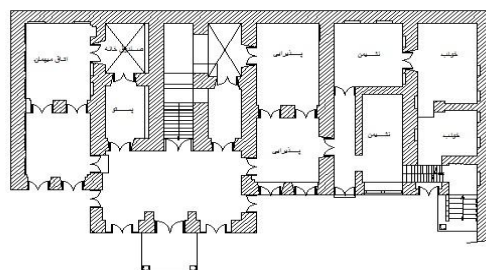
معماری اروپا الهام گرفته شده است. این بنا من حیث المجموع از بناهای تاریخی و با ارزش شهری است که به سبک بناهای اواخر دوران قاجار ساخته شده است. [8]



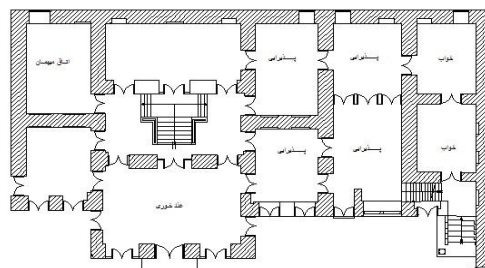
شکل 3: سر درب و ورودی خانه و نمای اصلی



شکل 4: تزئینات سقف



شکل 5: پلان طبقه همکف



شکل 6: پلان طبقه اول

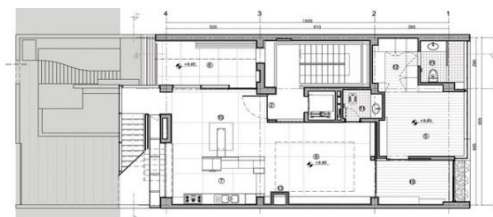
اجزا (راهرو یا دالان) در معماری معاصر در مرکز دید تمام خانه است و تمامی فعالیت های آمد و شد خانه توسط تمامی افراد داخل خانه چه اهالی و چه میهمانان دیده می شود. حیاط یکی حیاتی ترین قسمت هاست که با دارا بودن حوض آب و فضای سبز و محیط آرامش بخش خود با فرم سنتی خود در معماری معاصر کاملاً حذف و به شکل فضایی ساده بصورت هم سطح بازتعریف شده است.

#### نتیجه گیری

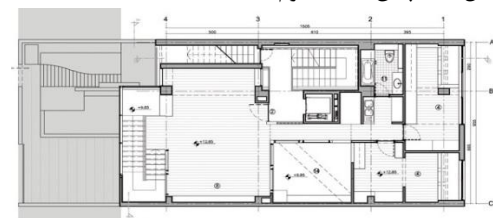
علاوه بر حذف شدن اصول معماری تاریخی ایران از فضای کنونی خود که گویی روح را از کالبد جدا نموده ایم، دیگر به سختی می توان انتظار بهره گیری مفید و دست یابی به فضایی روحانی و ملکوتی سرشار از آرامش را از معماری و فضای معاصر داشت. بسیاری نکات ریز و درشت در جدایی مفهومی و کاربردی این دو عصر دست در دست یک دیگر داده اند که به نظر نگارنده باید بر شاکله هایی که قرن ها موجب فخر معماری این سرزمین بوده رجوع نمود و از آن میان برای معماری آینده ایران ره توشه ای حکیمانه تجویز نمود . . . «هرکه دور افتاد از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش»

#### مراجع

- [1] شولتز، نوربرگ، کریستین، 1387، "مفهوم سکونت"، به سوی معماری تمثیلی، ترجمه محمود امیر یار احمدی، تهران، موسسه نشر آگاه، چاپ سوم.
- [2] نقره کار، عبدالحمید، 1387، "درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی"، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ اول.
- [3] ابل، کریس، 1387، "هویت و معماری"، ترجمه فرح حبیب، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، چاپ اول.
- [4] لاکویان، آپرودیسیو، 1364، "خانه سازی در جهان سوم"، ترجمه مینو رفیعی، تهران، وزارت برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی\_اجتماعی و انتشار، چاپ اول.
- [5] حائری مازندرانی، محمدرضا، 1388، "خانه، فرهنگ، طبیعت"، تهران، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، چاپ اول.
- [6] پیرنیا، محمد کریم، 1371، "آشنایی با معماری اسلامی ایران"، تدوین: غلامحسین معماریان، تهران، انتشارات دانشگاه علم صنعت.
- [7] پاکزاد، جهانشاه، بزرگ، حمیده، 1393، "الفبای روانشناسی محیط برای طراحان"، تهران، انتشارات آرمانشهر، چاپ دوم.
- [8] ثبوتی، هوشنگ، 1377، "تاریخ زنجان"، زنجان، انتشارات توانا، چاپ چهارم.
- [9] البرزی، فریبا، 1390، "از خانه دیروز تا مسکن امروز"، همایش ملی سازه، راه، معماری.



شکل 12: پلان طبقه سوم



شکل 13: پلان طبقه چهارم

#### واکاوی

خانه سنتی: وجه تمایز خصوصیات کالبدی خانه های تاریخی، قرارگیری در چهارچوبی است که برای آن ها از اعصار گذشته تجویز و پیچیده شده است، حال آن که در خانه معاصر می توان با قوانین جدید شهرسازی دخل و تصرفی نو اعمال نمود. در خانه های سنتی استفاده از مصالح بوم آورد مرسوم بود، لیکن در ساختمان های معاصر گاه مواد و مصالحی مصرف می گردد که بدیع و محصول کشورهای دیگر است. در خانه های تاریخی که متأثر از هویت فرهنگی و دینی و سنت های ریشه دار جامعه ایرانی، آرامش و درون گرایی را می توان به وضوح احساس نمود که در روند رشد فکری و عاطفی و شخصیتی تاثیر بسزایی دارد، لیکن در خانه معاصر که بسیاری از شاخصه ها به ورطه فراموشی رفته و یا ذرق و برق تزئینات معماری معاصر علتی برای به کنار گذاشته شدن اصول زیبایی شناسی اصیل معماری گردیده، خانه را فقط در تعاریف بسیار محدود به چند فعالیت روزمره و فضایی برای خواب می توان اشاره نمود، همچنین موارد بی شماری را می توان ذکر نمود که در این مجال اندک نمی گنجد.

در خانه سنتی اولین و اصلی ترین قسمتی که خود نمایی می کند هشتی خانه است که وظیفه هدایت و راهنمایی مراجعین را دارد این قسمت در معماری معاصر به کل حذف گردیده است. مطبخ و اندرونی در خانه های سنتی به هیچ وجه بر میهمانان و نامحرمان قابل رویت نبود، حال آنکه در خانه معاصر پس از باز شدن درب خانه تمامی فضاهای خصوصی قابل دید می باشد. موارد دیگری که می توان بر آن ها تامل نمود وجود مسیرهای ارتباطی در فضاهای تاریخی است (همچون راهرو یا دالان) که تقریباً کاربردی برای اهالی خانه و فضای ارتباطی برای اندرونی است، لیکن همین